





چند دقیقه با موسیقی



بسم الله الرحمن الرحیم

رهنما ۷۱ (چند دقیقه باموسیقی)

نویسنده:

ابراهیم حسینی

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

رهنما ۷۱ (چند دقیقه باموسیقی)

مشخصات کتاب

سرشناسه : حسینی، ابراهیم، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور : چند دقیقه با موسیقی/ نویسنده سیدابراهیم حسینی.

مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضوی،۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۶۰ص.؛۱۱×۱۷س م.

فروست : رهنما؛۷۱.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۴۳-۴۲-۰

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه .

موضوع : اسلام و موسیقی

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده : موسسه انتشاراتی قدس رضوی

رده بندی کنگره : BP۲۳۲/۸۲/ح۴۵چ۹ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۸۷۸

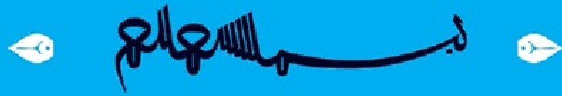
شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۲۷۲۷۴

چند دقیقه با موسیقی

ص:۱

اشاره

تصویر



ص:۲

تصویر

پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **رهنما** گامی است در این مسیر.
همگامِ ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.

تصویر



ص:۴۰

چند دقیقه با موسیقی

این کتابچه فرصتی است تا با هم دربارهٔ نگاه اسلام به موسیقی بیندیشیم. به دنبال پاسخ این گونه سؤال ها هستیم:

؟ چرا اسلام با موسیقی مخالف است؟ بدی موسیقی چیست؟

؟ آیا اسلام شادی ستیز است؟ تعریف اسلام از شادی چیست؟

؟ نظر ائمه و قرآن دربارهٔ موسیقی چیست؟

؟ آیا ازنظر اسلام، موسیقیِ حلال هم وجود دارد؟ چگونه باید حلال و حرامش را تشخیص دهیم؟

؟ به جای گوش دادن به موسیقی، چه کنیم؟

ص:۵

تصویر



۱. درآمد

شادی و نشاط، از مسائل مهم دورهٔ جوانی است. لازمهٔ بهداشت روانی در دورهٔ جوانی، رفع افسردگی است. کم نیستند افرادی که موسیقی را بهترین راه رهایی از غم و افسردگی و باعث نشاط و شادابی می دانند.

به تعبیر مقام معظم رهبری، موسیقی هنری دقیق و جزء بخش های دانش ریاضی است. هنر موسیقی، محاسبهٔ متکی به طبیعت و فطرت بشری است که خرد انسان، آن را براساس تجربه، محاسبه کرده است و برای آن، قواعدی گذاشته است. لذا هنر موسیقی، تلفیقی است از دانش و اندیشه و فطرت خدادی. به گفتهٔ مولوی، موسیقی صدای انعکاس افلاک است.

مهم این است که این هنر را در راه خدا و رضای او به کار بگیریم. هنر و موسیقیِ متعالی به طور کلی با موسیقیِ مبتذل بیگانه است. اما مشخصه های آن کدام است؟ آیا هر موسیقی که موجب شادی و نشاط شود، مبتذل است یا ملاک های دیگری دارد؟

ص:۷

روشن است که اسلام هر نوع شادی را حرام و ممنوع نمی داند. شادی و نشاطِ ناشی از موسیقی چطور؟ آیا هر نوع موسیقی ازنظر شرع حرام است؟ اگر نه، پس کدام نوع موسیقی حرام است؟ چرا؟ آیا موسیقی همان آوازه خوانی است یا نه؟ آیا موسیقی واقعاً باعث شادی و ازبین رفتن غم می شود؟ آثار روحی و روانی و فردی و اجتماعی موسیقی چیست؟ به دلیل همین سؤال ها، موسیقی از دیرباز موضوع بحث و کاوش فقهی و روان شناسی و اجتماعی قرار گرفته است.

۲. تعریف و اصطلاحات

۱،۲. موسیقی

اشاره

موسیقی واژه ای یونانی به معنای نوع و کیفیت نوازندگی است. موسیقی هنری است که از تنظیم و ترکیب صداها به وجود می آید و زیبایی آن را برحسب سازگاری با روح شنونده و اثرش در ذهن او می سنجند. به آهنگ هایی که با ابزار موسیقی و متناسب با قواعد آن ایجاد شود، نُتْ می گویند. موسیقی دو گونه است:

۱،۱،۲. موسیقی طبیعی

عبارت است از نغمهٔ جویبارها، صدای آبشارها، نوای پرندگان، وزش بادهای ملایم در میان درختان و... . این گونه نواهای طبیعی، نمودهای مستقیم واقعیت هایی است که در جریان اند و غالباً مسرت بخش است. این نوع موسیقی، سازگار با روح و فطرت انسان است و به همین دلیل، دلنشین و خوشایند و آرامش بخش است. اسلام نیز این نواهای طبیعی را

می ستاید. در این نوشتار، دربارهٔ این نوع موسیقی صحبت نمی کنیم.

۲،۱،۲ موسیقی هنری

آهنگ هایی است که بشر آن ها را با وسایل مصنوعی، مثل تار، سنتور، پیانو، ویلن و گیتار و... می سازد. آهنگ های مصنوعی، زیر و بم و ارتعاشات و تحریکات گوناگونی دارد که گاه می خنداند و گاه می گریاند؛ گاه به حد افراط نیروی نشاط را در آدمی تحریک می کند و زمانی او را سخت در غم و اندوه و گاه دیگر، در بهت و حیرت می برد؛ همچنان که گاه اندیشه های منطقیِ او را به خیالات و پندارها تبدیل می کند. موضوع بحث ما تنها موسیقی هنری است.

۲،۲. غنا

اشاره

موضوعی که درکنار موسیقی باید دربارهٔ آن بحث کنیم، غنا و آوازخوانی است.

ص:۱۰

۱،۲،۲ تعریف غنا

غنا به معنای شیوه ای از خوانندگی است که در آن، صدا بالا و پایین برده شود، مثل سرود و آواز خوش. بعضی آن را به صوتی تفسیر کرده اند که با ترجیع و کیفیت خاصی ادا شود و طرب انگیز باشد. غنا از دیدگاه فقهی عبارت است از آوازی که از حنجرهٔ آدمی بیرون آید و در گلو چرخانده شود (چه چهه زدن) و در شنونده حالت سرور ایجاد کند؛ به طوری که مناسب مجلس لهو و خوش گذرانی باشد.

۲،۲،۲ تعریف لهو

هر سخن یا رفتار یا آهنگ سرگرم کننده و غفلت زا که انسان را به بیهودگی یا گمراهی می کشاند. طبق روایات، موسیقی غنایی و الحان و آهنگ های شهوت انگیز و هوس آلود از مصادیق روشن لهو است. مقام معظم رهبری در توضیح لهو می فرمایند: «لهو یعنی غفلت،

دورشـدن از ذکر خـدا و معنویت، دورشـدن از واقعیت های زنـدگی، دورشـدن از کار و تلاش و فروغلتیدن در ابتذال و بی بندوباری. تفاوتی ندارد این کیفیت در موسیقیِ کلامی باشد یا در سازها و موسیقیِ بی کلام.»

نتیجه آنکه موسـیقی با نواختن آلات طرب ایجاد می شود و به آن نوازنـدگی می گوینـد؛ ولی غنا کیفیت صـدای انسان است و در تحقق آن، وجود آلات موسیقی شرط نیست و به آن خوانندگی می گویند.

ص:۱۲

۳. نظر اسلام دربارهٔ موسیقی و غنا

اشاره

فقهـا براسـاس آیـات قران کریم و روایـات، حکم موسـیقی در اسـلام را بـا عنوان «حکم غنـا در اسـلام» و «حکم آلاـت لهو» مطرح کرده انـد. موسیقی و آوازخوانی به طور کلی دو نوع است:

۱،۳. موسیقیِ غنایی و مطرب

هر گونه آهنگی است که به لحـاظ شـکل یـا محتوا، همراه بـا مضامین لهوی است و موجب تحریک شـهوت و فساد اخلاق و انحراف ذهن می شود و متناسب با مجالس گناه است، مانند ترانه های عاشـقانه و اشـعاری که در وصف زن و شـراب است، یا موجب ترویج باطل می شود. این گونه موسیقی، گاه آرامش تخدیرگونه برای اعصاب دارد و گاه هیجان های ناهنجار برای روان و غفلت از یاد خدا و پرده پوشی عقل، از آثار نمایان آن است.

فقها ازجمله شهیددسـتغیب، غنا را یکی از گناهان کبیره دانسته اند؛ چنان که در روایتی از امام صادق به آن تصریح شده است. امام باقر نیز غنا را از گناهانی برشمرده است

که خدا برای آن وعدهٔ عذاب داده است. طبق احادیث فراوان، هر گناهی که برای آن وعدهٔ عذاب داده شده است، گناه کبیره محسوب می شود.

۲،۳. موسیقیِ غیرغنایی و غیرمطرب

همچون صوت قرآن، موسیقی عرفانی، مارش های حماسی، آواز حُدی (برای حرکت دهی حیوانات) و حتی موسیقی مناسب برای رشد گیاهان. این نوع موسیقی می تواند پاسخ گوی نیاز انسان باشد و با اجراهای متنوع، جانشین موسیقی غنایی شود.

قرآن کریم نثری هماوا دارد و این، یکی از ابعاد اعجاز قرآن است. از تشویقی که شنوندگان برای آهنگین و نیکوخواندن قرآن می کنند، دلنشین بودن و مسرت بخش بودن آن مشخص می شود. برای بهره مندی بیشتر از کلمات و به منظور به دست آوردن آرامش روانی و صفای دل، به طور طبیعی، به صوت دلنشین قرآن نیازمندیم. به همین جهت، تلاوت قرآن با صدای نیکو، مستحب و محبوب خدای متعال است. غزلیات و اشعار عرفانی معنایی پُرجاذبه دارند.

ص:۱۴

شنیدن و زمزمهٔ آن ها با صدای خوش، آرامش بخش و آگاهی ساز است و می تواند جانشین مناسبی برای موسیقی غنایی باشد.

بنابراین هر نوع موسیقی و آهنگ و هر صدا و لحن دلنشین در اسلام حرام نیست. برخی آهنگ ها به لحاظ محتوا و نوع ریتم، از آهنگ های حرام نیستند و گوش کردن به آن ها اشکال ندارد. ازنظر شرع، تنها موسیقی و آوازی حرام است که طرب انگیز و مناسب مجالس لهو و خوش گذرانی و عیّاشی باشد، یعنی انسان را به شهوت تحریک کند و او را دراثر شدّت سرور و شادمانی یا حزن، سبک و سبک سر کند. البته اگر حتی صوت قرآن یا مداحی های مذهبی را نیز با این آهنگ غنایی و طرب انگیز و مناسب مجالس لهو بخوانند، حرام است. همان طورکه مراجع دینی فرموده اند، ملاک در حرمت، شاد یا غمناک بودن موسیقی نیست؛ بلکه ملاک، مطرب بودن یا نبودنِ آن است.

در استفاده از آهنگ های مجاز نیز لازم است اعتدال را رعایت کنیم. افراط در گوش کردن

به موسیقی مجاز و عرفانی باعث می شود که انسان نتواند تمرکز داشته باشد و برای ذهن مضر است. علامه جعفری دراین باره می فرماید: «اگر هم فرض کنیم گوش دادن به موسیقی های مجاز ممنوع نباشد، با این کار، حداقل باید گفت قدم بر روی نوار باریکی گذاشتیم که یک طرف آن قطعاً قلمروی ممنوعیت و حرمت می باشد و چون نفس آدمی لذت طلب است، لذا تدریجاً قانون را پایمال می سازد.»

می توان به عنوان نظر قطعی اسلام دربارهٔ موسیقی گفت: خواندن یا نواختنی حرام است که آثاری مثل بی پروایی کردن در ارتکاب گناه داشته باشد، به طوری که در برخورد با گناه اصلاً یاد خدا وجود نداشته باشد یا یاد خدا آن قدر ضعیف باشد که اثر نداشته باشد تا شخص را از گناه باز بدارد. هر نوع موسیقی اگر ضعیف کنندهٔ ایمان باشد، حرام است.

از مجموع آیات و روایات فراوان درحد تواتر استفاده می شود که غنا و موسیقیِ حرام، هم برای خواننده و نوازنده و هم برای شنوندهٔ آن ها حرام و مضر است. مالی که نوازنده و

ص:۱۶

خواننـده از این راه به دست می آورنـد، حرام است و کسـی که آن مـال را می دهـد، مرتکب گناه زشتی شـده است. کسـی که از این گناهان پرهیز کند، در آخرت به نعمت های بهتری می رسد.

۴. علت ممنوع بودن موسیقی در اسلام

علتی که برای ممنوعیت موسـیقی در منابع اسـلامی ذکر شـده است، لهو و لعب است. باتوجه به این علت، کاملاً روشن می شود که اسـلام می خواهد انسان در این دنیا خود را درمقابل هیجان هایِ پا در هوا، نبازد و اختیار خود را از دست ندهد.

با شـیوع موسیقی در غرب، دوران بیماری های روانی و فساد اخلاقی فرا رسیده است. اگر انسان ها به این اندازه به موسیقی مشغول نمی شدند و با واقعیت ها روبه رو می شدند، مسـلماً بسـیار بیشتر راه پیشرفت و رشد را می پیمودند. بلی، نغمهٔ خوب پدیده ای منطقی است. نمی خواهیم لذت های احساس را محکوم کنیم؛ می خواهیم انسان ها اسیر احساسات خود

نشوند تا اندیشه کردن در واقعیات را از آن ها بگیرد و شخصیت آن ها را منفعل (پذیرا) نه خلاق تربیت کند.

مطلب نهایی ما دربارهٔ موسیقی این است که این زندگی محدود می تواند با عالی ترین فعالیت های مادی و روحی پر شود. این زندگی را نباید در لهو که شبحی از آرزوهای شکست خورده است یا در حماسه و تحریک خُدایی سپری کرد که درعین حال لذت بخش است.

ص:۱۸

۵. ملاک های تشخیص موسیقی حرام

اشاره

موسیقی اگر انسان را به بیکاری، ابتذال، بی حالی و واخوردگی از واقعیت های زندگی و امثال این ها بکشاند و از معنویت و یاد خدا غافل کند و به گناه و شهوت رانی تشویق کند، حرام بوده، حرکت کردن در خلاف هدف آفرینش است. دلایل حرمت موسیقی و آوازخوانیِ لهوی بدین شرح است

۱،۵. مخترع موسیقی و غنا

گاهی خوبی و بدی چیزی را ازطریق شناخت مخترع و بنیان گذار آن می توان به دست آورد. یعنی اگر عملی به وسیلهٔ شخصی محترم یا با سفارش او بنیان گذاشته شود یا رواج یابد، معلوم می شود آن عمل، پسندیده و موجب نزدیکی به خداوند است. همچنین اگر عمل و سنتی به وسیلهٔ شخصی خبیث بنیان گذاشته شود، در می یابیم که آن عمل، ناپسند و باعث دوری از رحمت خداوند است.

ص:۱۹

تصویر



ص:۲۰

دربارهٔ حرمت موسیقی و غنا، ده ها دلیل وجود دارد. بر فرض که هیچ دلیلی هم بر مبغوضیت آن ها وجود نداشته باشد، از همین راه می توان ناپسندی آن ها را به دست آورد. براساس دلایل موجود، موسیقی و غنا به وسیلهٔ شیطان ملعون اختراع شده است و در طول تاریخ به وسیلهٔ افراد غیرمتعهد و بی مبالات به دین، مانند سلاطین جور و مأموران فاسق آنان رواج یافته است. به بعضی روایاتی اشاره می کنیم که بیانگر اختراع موسیقی و غنا توسط شیطان ملعون است:

۵،۱،۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «آنگاه که حضرت آدم وفات کرد، شیطان و قابیل که دشمن او بودند، خوشحال شدند. هر دو در محلی جمع شدند و به نشانهٔ شادی برای مرگ آدم و سرزنش او، آلات موسیقی ساختند و نواختند. پس هرگونه آلات موسیقی که روی زمین باشد و مردم از آن لذت ببرند، از نوع همان چیزی است که شیطان و قابیل

اختراع کرده اند.»(۱)

۲،۱،۵. از رسول اکرم دربارهٔ غنا روایت شده است: «شیطان نخستین کسی است که آوازخوانی کرد و... هنگامی که آدم از (میوهٔ) درخت خورد، شیطان آواز خواند و...»

۲،۵. آیات قرآن

به آیات فراوانی بر حرمت موسیقی و آوازخوانیِ لهوی استناد کرده اند، ازجمله:

۱.۲.۵. «وَ مِنَ النَّاسِ مَن یشْتَرِی لَهْوَ الْحَدِیثِ لِیضِلَّ عَن سَبِیلِ اللَّهِ بِغَیرِ عِلْمٍ وَ یتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِك لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِینٌ وَ اِذَا تُتْلَی عَلَیهِ آیاتُنَا وَلَّی مُسْتَكبِرًا كأَن لَمْ یسْمَعْهَا كأَنَّ فِی أُذُنَیهِ وَقْرًا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِیمٍ» (= و برخی از مردم سخن بیهوده را خریدارند تا [مردم را] بی هیچ دانشی از راه خدا گمراه کنند و راه خدا را به ریشخند گیرند. برای آنان، عذابی خوارکننده خواهد بود. و چون آیات ما بر آنان خوانده شود،

۱- . وسائل الشیعه، ج۱۷، ص۳۱۳، ابواب ما یکتسب به، باب۱۰۰، ح۵.

با نِخوت روی برمی گردانند، چنان که گویی آن را نشنیده اند [یا] در گوش هایشان سنگینی است. پس آنان را از عذابی پُردرد خبر ده.)(۱)

فضل بن حسن طبرسی می گوید: «به عقیدهٔ اکثر مفسّران، منظور از «لهوالحدیث» غنا است... و هرچیزی که انسان را از راه خدا و اطاعت او باز دارد؛ ازقبیل کارهای باطل، ملاهی (آلات لهو و لعب)، معازف (پیانوها) و... . همهٔ این ها در عنوان لهوالحدیث قرار میگیرد.»(۲)

سعید حوّی پس از نقل دیدگاه عده ای از مفسّران صدر اسلام که همگی لهو الحدیث را به غنا تفسیر کرده اند، می گوید: «به هرحال می فهمیم که لهوالحدیث با گمراهی از راه خدا ارتباط دارد؛ یعنی هرچیز گمراه کننده، از مصادیق لهوالحدیث است؛ اعم

۱- . لقمان، ۶و۷.

۲- . مجمع البیان، ج۷و۸، ص۳۱۳.

از اینکه غنا باشد یا سخن کفرآمیز؛ خواه به صورت قصیده و شعر باشد یا قصه و... . شکی نیست که هرکس دراین زمینه فعالیت کرده، مال خود را در این راه خرج کند، ازجملهٔ گمراه کنندگان و از مصادیق)لیضلّ عن سبیل الله(است.»(۱)

آیت الله مکارم شیرازی گفته اند: «لهوالحدیث شامل هرگونه سخن یا آهنگ سرگرم کننده و غفلت زا که انسان را به بیهودگی یا گمراهی می کشاند، در بر می گیرد؛ خواه ازقبیل غنا و الحان و آهنگ های شهوت انگیز و هوس آلود و یا مانند داستان های خرافی و اساطیر (افسانه ها) که سبب انحراف مردم از صراط مستقیم الهی می گردد.»(۲)

در تفسیر خواجه عبدالله انصاری چنین آمده است: «ابن عباس و مجاهد گفتند:

۱- . الاساس فی التفسیر، ج۸، ص۴۳۱۵.

۲- . تفسیر نمونه، ج۱۷، ص۱۵.

‘لهوالحدیث غنا و سرود فاسقان است در مجلس فسق.’»(۱)

در حدیث صحیح(۲) محمدبن مسلم می گوید: «از امام باقر شنیدم که می فرمود:)اَلغِناءُ مِمّا وَعَدَ اللهُ عَلَیهِ النّارَ، وَ تَلا هذِهِ الآیَهَ: ‘وَ مِنَ النّاسِ مَنْ یشْتَری لَهْوَ الحَدِیثِ لِیضِلَّ عَنْ سَبِیلِ اللهِ بِغَیرِ عِلْمٍ وَ یتَّخِذَها هُزُواً أُولئِکَ لَهُمْ عَذابٌ مُهِینٌ’((= غنا از گناهانی است که خداوند دربارهٔ آن تهدید به آتش کرده است. و آیهٔ)و مِنَ النّاسِ...(را تلاوت فرمود.)(۳)

از این بیان نورانی امام روشن می شود که این آیه از دلایل حرمت غنا است. همچنین از این حدیث استفاده می شود که غنا و موسیقی از گناهان کبیره است؛ چراکه علما معتقدند هر گناهی که برای آن وعدهٔ عذاب داده اند، گناه کبیره است.

۱- . کشف الاسرار، ج۷، ص۴۸۶.

۲- . «صحیح» حدیثی است که همهٔ راویان آن شیعهٔ دوازده امامی اند و ازطرف علمای رجال توثیق شده اند.

۳- . وسائل الشیعه، ج۱۷، ص۳۰۵، ابواب ما یکتسب به، باب۹۹، ح۶.

۲.۲.۵.)فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ((= پس از پلیدیِ بت ها دوری کنید و از گفتار باطل اجتناب ورزید.)(۱)

مرحوم طبرسی می نویسد: «قول زور، یعنی کذب و دروغ... و اصحاب ما (امامیه) روایت کرده اند که غنا و هر سخن لهو و بازدارنده از یاد خدا، از مصادیق قول زور است.»(۲) در حدیث صحیح هشام، از امام صادق در تفسیر این آیه آمده است که فرمودند: (اَلرِّجس مِنَ الأَوثانِ اَلشَّطرَنج وَ قَولَ الزُّورِ اَلغِناء) (= مراد از رجس اوثان، شطرنج است و منظور از قول زور، غنا و آوازخوانی است.)(۳)

۱- . حج، ۳۰.

۲- . مجمع البیان، ج۷و۸، ص۸۲.

۳- . وسائل الشیعه، ج۱۷، ص۳۱۰، ابواب ما یکتسب به، باب۹۹، ح۲۶؛ علمای رجال همهٔ راویان سند این حدیث را توثیق کرده اند.

ابن حزم می گوید: «روزی در منزل خودم به توالت رفتم. کنیز همسایه به خوانندگی و نوازندگی مشغول بود. کمی درنگ کردم تا صدای او را بشنوم؛ سپس بیرون آمدم. همان روز هنگامی که آفتاب غروب کرد، به خدمت امام صادق رسیدم. وقتی امام مرا دید، فرمود:)اَلغِناءَ اَلغِناءَ، اِجتَنِبُوا الغِناءَ، اِجتَنِبُوا ‹وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ(حضرت چند بار این کلمات را تکرار کرد؛ به اندازه ای که متوجه شدم امام از راه غیب، از عمل من آگاه شده است و می خواهد مرا موعظه کند. چنان از عمل زشت خودم شرمنده شدم که مجلس برای من تنگ شد. هنگامی که از مجلس بیرون آمدم، به یکی از دوستان آن حضرت به نام مُعَتِّب گفتم: ‹به خدا سوگند، منظور حضرت از این کلمات، کسی جز من نبود.›»(۱)

در حدیث صحیح، حمّادبن عثمان می گوید: «از امام صادق معنای قول زور را پرسیدم.

ص:۲۷

۱- . امالی شیخ طوسی، ص ۷۲۰و ۷۲۱، مجلس۴۳، ح۳.

فرمود:)مِنهُ قُولُ الرَّجُلِ لِلَّذی یغَنّی: أَحسَنتَ((= یکی از مصادیق قول زور این است که شخصی با گفتن احسنت یا آفرین و... آوازخوان را تشویق کند.)(۱)

از این حدیث صحیح استفاده می شود که تشویق لفظی خواننده با گفتن اَحْسَنْتَ و آفرین و مرحبا و همچنین تشویق عملی، مانند پول دادن و... حرام است. همچنین روشن می شود که خوانندگی و نوازندگی به طریق اولی حرام است و عذابش شدید تر است.

۳.۲.۵.)وَ اِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَکمْ أَعْمَالُکمْ سَلَامٌ عَلَیکمْ لَا نَبْتَغِی الْجَاهِلِینَ((= و وقتی لغوی بشنوند، از آن روی برمی تابند و می گویند: «کردارهای ما از آنِ ما و کردارهای شما از آنِ شماست. سلام بر شما، جویای [مصاحبت] نادانان نیستیم.»)(۲)

امین الاسلام طبرسی در تفسیر آیه می گوید: «مراد از لغو هر نوع کردار و گفتار بی فایده

۱- . همان، ح۲۱.

۲- . قصص، ۵۵.

و بی اهمیت و چیز های زشت و ممنوع است که باید از آن ها دوری کرد.» او پس از نقل سخنانی در بیان مصداق لغو می گوید: «و فی روایهٔ أخری، إنّه الغناء و الملاهی» (= در روایت دیگر، مراد از لغو، غنا و آوازخوانی و استعمال آلات موسیقی است.)(۱)

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی در حدیثی آمده است:)اَللَّغوُ اَلکِذْبُ وَ اللَّهوُ وَ الغِناءُ وَ هُمُ الأَئِمَّهُ یعرِضُونَ عَن ذلِکَ کُلِّهِ((= مراد از لغو در این آیه، دروغ و لهو و غناست و منظور از دوری کنندگان از آن، امامان هستند که از همهٔ این کارها دوری می کنند.)(۲)

در تفسیر نمونه، پس از نقل مطلب بالا از تفسیر قمی می نویسد: «پیداست که هر دو قسمت حدیث ازقبیل بیان مصداق روشن است؛ وگرنه لغو، مفهوم گسترده ای دارد که غیر این ها را نیز شامل می شود و دوری کنندگان از لغو نیز همهٔ مؤمنان راستین هستند؛ هرچند

۱- . مجمع البیان، ج۷و۸، ص۹۹.

۲- . علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج۲، ص۱۴۱.

امامان در صف مقدّم جای دارند.»(1)

۴.۲.۵.)وَ اسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِک وَ أَجْلِبْ عَلَیهِم بِخَیلِک وَ رَجِلِک وَ شَارِکهُمْ فِی الأَمْوَالِ وَ الأَوْلادِ وَ عِدْهُمْ وَ مَا یعِدُهُمُ الشَّیطَانُ اِلاَّ غُرُوراً((= و از ایشان هرکه را توانستی با آوای خود تحریک کن و با سواران و پیادگانت بر آن ها بتاز و با آنان در اموال و اولاد شرکت کن و به ایشان وعده بده و شیطان جز فریب به آن ها وعده نمی دهد.)(2)

ابوبکر جابر جزایری در تفسیر این آیه می نویسد: «بصوتک أی بدعائک إیاهم إلی طاعتک و معصیتی بأصوات المزامیر و الأغانی و اللهو.» طبق این تفسیر، معنای آیه چنین می شود: «خداوند به شیطان می فرماید: هرکدام از مردم را که می توانی با صدای موسیقی و صدای خوانندگان و لهویات دیگر به سوی معصیت من و طاعت خودت تحریک و دعوت کن.» وی

۱- . تفسیر نمونه، ج۱۶، ص۱۱۴.

۲- . اسراء، ۶۴.

در ادامهٔ مطلب می گوید: «از این آیه، استفاده می شود که خوانندگان و نوازندگان با همهٔآلات لهو و کسانی که در مجالس آن ها حاضر می شوند، از لشکریان شیطان هستند که با آدمیان می جنگند.»(۱)

علامه امینی در کتاب شریف الغدیر از نُه کتاب تفسیر اهل سنُت نقل کرده است که ابن عباس گفته است: «إنّه الغناء و المزامیر و اللهو» (= مراد از صوت شیطان در این آیه، خوانندگی و نوازندگی و کارهای لهو است.)(۲)

۵.۲.۵.)وَ اِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا اِلَیهَا وَتَرَکوک قَائِمًا قُلْ مَا عِندَ اللَّهِ خَیرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَ مِنَ التِّجَارَهِ وَ اللَّهُ خَیرُ الرَازِقِینَ((= و چون دادوستد یا سرگرمی ای ببینند، به سوی آن روی آورند و تو را درحالی که ایستاده ای، ترک می کنند. بگو: «آنچه نزد خداست، از سرگرمی و از دادوستد بهتر است و

۱- . ایسر التفاسیر، ج۳، ص ۲۱۰و۲۱۱.

۲- . الغدیر، ج۸ ص۶۹.

خدا بهترین روزی دهندگان است.»)(1)

علامه طباطبایی در تفسیر این آیهٔ شریفه می گوید: «مضمون روایاتی که ازطریق شیعه و سنی نقل شده است، دراین جهت متّفق است که کاروانی از تجّار، در روز جمعه هنگام نماز که رسول خدا مشغول خطبهٔ نمازجمعه بود، وارد مدینه شد و به منظور اعلام ورود خود، طبل و دُهل زد. مردم پیامبر را درحال خطبه رها کردند و به طرف کاروان رفتند. این آیه به همین مناسبت نازل شد. پس مراد از لهو در این آیه، استعمال طبل، دهل، دایره و سایر آلات طرب به قصد جمع شدن مردم است.»(2)

۳،۵. روایات

اشاره

به روایات فراوانی بر حرمت موسیقی و آوازخوانیِ لهوی استناد کرده اند. مجموع روایات

۱- . جمعه، ۱۱.

۲- . تفسیر المیزان، ج۱۹، ص۲۷۴.

دربارهٔ غنا و موسیقی به پنج دسته تقسیم می شود که از هر دسته، چند روایت را برای نمونه نقل می کنیم:

۱،۳،۵. ممنوعیت غنا و آوازخوانی

۱. امام باقر: «همین که می دانی غنا از امور باطل است، برای تو کافی است که از آن دوری کنی.»(۱)

۲. از رسول گرامی اسلام روایت شده است: «غنا افسون و مقدمهٔ زنا است.»(۲)

۳. امام صادق : «غنا موجب نفاق و دورویی می شود و فقر و نیازمندی به دنبال می آورد.»(۳)

۱- . دعائم الاسلام، ج۲، ص۲۰۷، ح۷۵۸.

۲- . جامع احادیث الشیعه، ج۲۲، ص۲۳۴، ابواب ما یکتسب به، باب۱۹، ح۲۶.

۳- . وسائل الشیعه، ج۱۷، ص۳۰۹، ابواب ما یکتسب به، باب۹۹، ح۲۳.

۲،۳،۵. مذموم بودن موسیقی و ممنوع بودن آلات آن

۱. امام سجاد: «پاک و سعادتمند نمی شوند ملتی که در میان آنان بربط(۱) به صدا در آید.»(۲)

۲. پیامبر اکرم: «فرشتگان رحمت در خانه ای وارد نمی شوند که در آن، شراب یا دف(۳) یا طنبور یا نَرْد باشد؛ دعای ساکنان آن مستجاب نمی شود و برکت از آنان

ص:۳۴

۱- . بربط یا عود یا رود، سازی زهی است که در خاورمیانه و کشوهای عربی رایج است و از قدیمی ترین سازهای شرقی است. تَنبور یا طَنبور یکی از سازهای زهی است که در آن سیم ها از روی دسته ای بلند و کاسه ای عبور کرده است و با ضربه انگشتان به صدا درمی آید. به نظر می رسد اقسام تارها چه آن هایی که داخل جعبه ای چوبی اند، مثل بربط و چه آن هایی که تارهایش نمایان است، مثل طنبور و دیگر تارها همه داخل در موضوع این نهی باشند، همانطورکه در روایاتی دیگر به طنبور اشاره شده است.

۲- . همان، ص۳۱۳، باب۱۰۰، ح۴.

۳- . دف، یکی از سازهای کوبه ای در موسیقی ایرانی است. این ساز شبیه به دایره ولی بزرگ تر از آن است. در کتاب های لغت در معنی دف یا دایره می نویسند: آن چنبری است از چوب که بر روی آن پوست کشند و بر چنبر آن حلقه ها آویزند. در قدیم برای آنکه طنین بهتری داشته باشد روی دف پوست آهو می کشیدند.

برداشته می شود.»(۱)

۳،۳،۵. نکوهش خواننده و نوازنده

۱. امام صادق: «زن خواننده و کسی که از درآمد او مصرف کند، ملعون و مطرود از رحمت خداست.»(۲)

۲. پیامبر اکرم : «خداوند در قیامت به پنج طایفه نظر نمی کند و یکی از آنان آوازخوان است.»(۳)

۳. امام صادق: «پست ترین فرد کسی است که شراب بخورد و ساز بزند.»(۴)

۱- . مستدرک الوسائل، ج۱۳، ص۲۱۸، ابواب ما یکتسب به، باب۷۹، ح۱۵.

۲- . وسائل الشیعه، ج۱۷، ص۱۲۱، ابواب ما یکتسب به، باب۱۵، ح۴.

۳- . جامع احادیث الشیعه، ج۲۲، ص۲۳۳، ابواب ما یکتسب به، باب۱۹، ح۱۸.

۴- . وسائل الشیعه، ج۱۷، ص۳۱۴، ابواب ما یکتسب به، باب۱۰۰، ح۱۱.

۴،۳،۵. ممنوع بودن گوش دادن به غنا و موسیقی

۱. پیامبر: «گوش دادن به لهو (موسیقی) و غنا، باعث رویش نفاق می شود؛ همان گونه که آب، گیاه را می رویاند.»(۱)

۲. پیامبر به امام علی وصیت فرمودند: «یا علی، سه چیز موجب قساوت قلب می شود: گوش دادن به لهو، دنبال شکاررفتن، رفت وآمد در دربار سلطان ستمگر.»(۲)

۳. پیامبر اکرم: «کسی که در مجلس زن خواننده بنشیند تا به آوازخوانی وی گوش دهد، خداوند در گوش های او سرب خواهد ریخت.»(۳)

ص:۳۶

۱- . کنزالعمّال، ج۱۵، ص۲۲۱، ح۴۰۶۷۰.

۲- . وسائل الشیعه، ج۱۷، ص۳۱۴، ابواب ما یکتسب به، باب۱۰۰، ح۸.

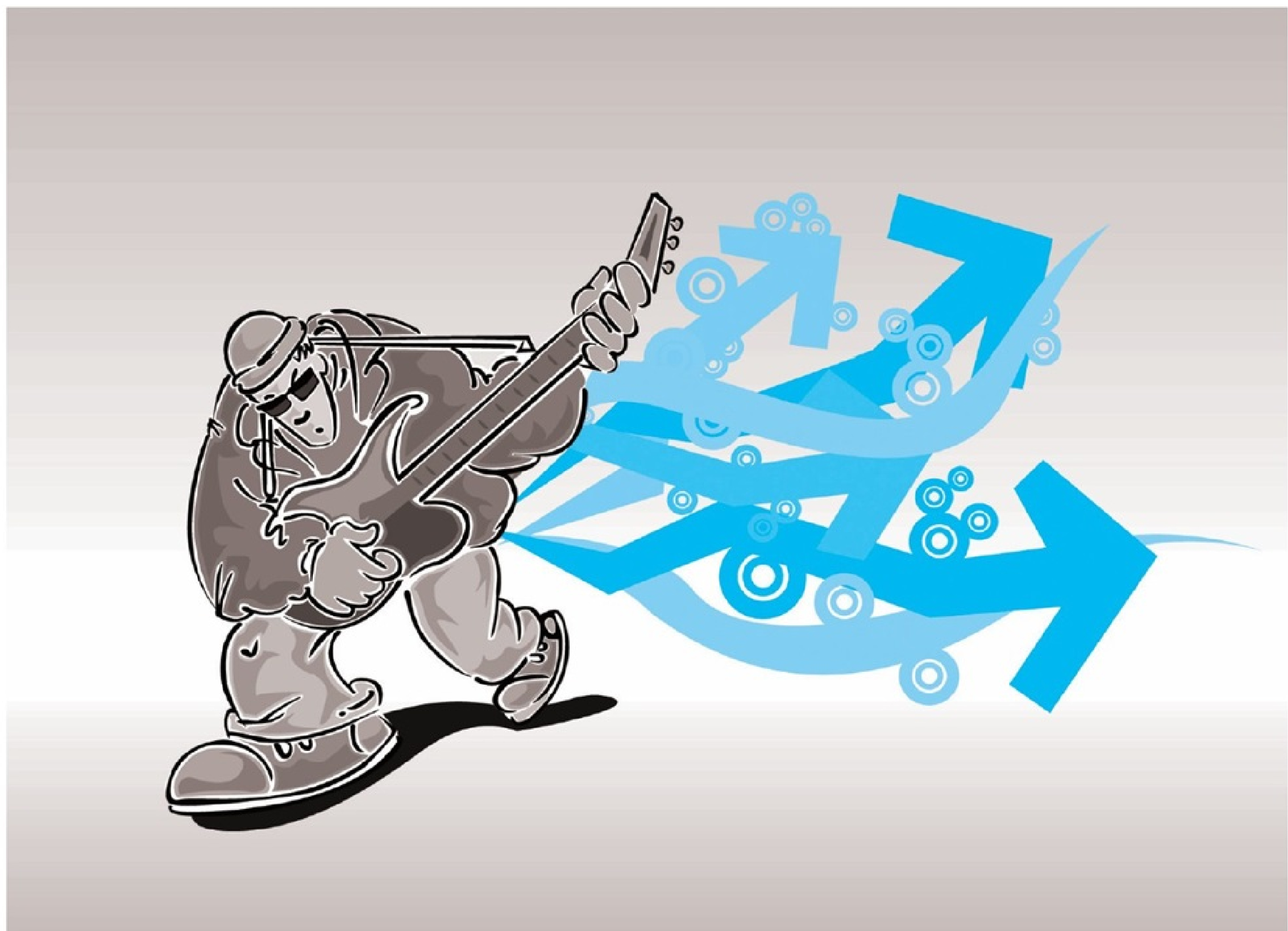
۳- . کنزالعمّال، ج۱۵، ص۲۲۰، ح۴۰۶۶۹.

۵،۳،۵.. لزوم پرهیز از غنا و موسیقی و پاداش اخروی آن

پیامبر اکرم: «کسی که در دنیا گوش خود را از موسیقی پر کند، حق ندارد صدای روحانیان (قاریان اهل بهشت) را بشنود.»(۱)

۱- . طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۸، ص۳۱۴.

تصویر



ص:۳۸

۶. تأثیرهای شوم موسیقی در وجود انسان

اینک به بعضـی از مفسده ها و آثار زیان بار خوانندگی و نوازندگی (غنا و موسیقی) که علت صدور حکم شرعی حرمت برای آن است اشاره می کنیم: ازبین رفتن تعـادل و توازن اعصـاب سـمپاتیک و پاراسـمپاتیک، مرض مـانی،(۱) کوتـاهی عمر، ضـعف اعصـاب، اختلالات مغزی و هیجانـات روحی و جنون، عوارض قلبی، خودکشـی، فشـارخون، فحشـا، تضـعیف و ازبین رفتن شـنوایی، تضـعیف و ازبین رفتن بینایی، هیجان، ازبین رفتن اراده و شکست خوردن، ازبین رفتن غیرت، جنایت، اتلاف وقت.(۲)

با ذکر نمونه ای تاریخی، به اثر منفی و شوم موسیقی در دریـده شـدن پردهٔ حیا و عفّت و ازبین رفتن ارادهٔ انسان اشاره می کنیم. مسـعودی در مروج الذّهب می نویسد: «در زمان

ص:۳۹

۱- . Manie

۲- . محمدتقی جعفری، موسیقی از دیدگاه علامه محمد تقی جعفری.

عبـدالمک یا یکی دیگر از خلفای بنی امیه که لهو و موسـیقی خیلی رایـج شـده بود، به خلیفه خبر دادنـد که فلان کس، خواننـده است و کنیز زیبایی دارد که او هم خواننـده است و تمام جوان های مـدینه را فاسـد کرده است. اگر به کار او نرسـید، این زن تمام مـدینه را فاسد می کند. خلیفه دسـتور داد که غـل به گردن آن مرد انداختنـد و آن هـا را به شام بردنـد. وقتی در حضور خلیفه نشسـتند، آن مرد گفت معلوم نیست که آنچه او می خواند، غنا باشد و از خلیفه خواست که خودش امتحان کند. خلیفه دسـتور داد که کنیز بخواند. او شروع به خواندن کرد. کمی که خواند، دید سـر خلیفه تکان می خورد. کم کم به جایی رسـید که خود خلیفه شـروع کرد به چهاردست وپا راه رفتن و می گفت: «بیا جانم، بر این مرکب خودت سوار شو!»

واقعاً موسـیقی قدرت عظیم و فوق العاده ای، مخصوصاً ازجهت پاره کردن پردهٔ تقوا و عفت دارد. از حرمت موسیقی نمی توان مبارزهٔ اسلام با ذوق و هنر را نتیجه گرفت. اسلام مخالفتی با جمال و زیبایی و هنر و حس زیبایی دوستی ندارد؛ بلکه این حس را تأیید هم کرده است.

ص:۴۰

در اصول کـافی بـابی داریم با عنوان «الزی و التجمّل». تجمّل یعنی خود را زیباکردن. در حـدیثی این گونه داریم: «انّ الله جَمیلٌ یحبُّ الجَمال» (= خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد.)(۱) و از همه مهم تر، زیبایی بیان است که در اسلام درحد اعلایی به آن توجه شده است. اعجاز اسلام یا دست کم یکی از معجزاتش، زیبایی کلام قرآن است.(۲)

ص:۴۱

۱- . اصول کافی، ج۶، ص۴۳۸.

۲- . بر گرفته از: مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص۷۰تا۷۳.

۷. پیامدها و ضررهای موسیقی طبق آیات و روایات

غضب خداونـد؛ افسـردگی و ناامیـدی؛ نفـاق و فقر؛ لانـهٔ نفـاق؛ مقدمـهٔ بلاهـای خطرنـاک؛ مقدمـهٔ کارهـای خلاف اخلاق (تحریک انسان به شهوات)؛ عامل خباثت؛ از امور باطل؛ ازبین رفتن روحیـهٔ غیرتمندی در اهل موسـیقی (به دلیل فرورفتن در تخیلات و اوهام و غوطه ورشدن در شهوات)؛ بـدبختی جـامعه؛ مـانع ورود ملائکه؛ دوری از رحمت خداونـد؛ عامل پستی؛ قبول نشـدن دعای اهل موسـیقی؛ قبول نشـدن نماز اهل موسیقی؛ روسیاهی در محشر؛ نفرین طنبور بر نوازنده اش؛ مقدمهٔ قساوت قلب؛ بندگی و پرستش شیطان.(۱)

ص:۴۲

۱- . برگرفته از: روایات معصومان به استناد منابع پیشین.

۸. پاسخ به چند پرسش

۱،۸. نیاز انسان به شادابی و نشاط چگونه برآورده شود؟ بالاخره روح انسان به موسیقی و آهنگ های خوش نیاز دارد؟

هم نیازهـای انسان و هم شادی ناشـی از برآورده شـدن آن، مراتبی دارد. هر مرحله از نیازهای واقعی انسان که پاسـخ مناسب گرفت، به شادی همـان مرحله منتهی می شود و هم زمـان بـا آن، نیازهـای دیگر انسـان بیـدار می شونـد و به دنبال پاسـخ در خور می گردنـد. در سـطوح بالاتر نیازهای انسانی، به جایی خواهیم رسـید که غیر از دوست داشتن خدا و تلاش برای نزدیکی به او و رسیدن به کمال، چیز دیگری نمی خواهیم. پاسخ به این خواست و نیاز، شادی خاصی برای ما به ارمغان می آورد. این شادی خیلی عمیق تر و بیشتر از شادی های ابتدایی انسان است.

ابوعلی سینا نیز دراین باره می نویسد: «آهنگ خوش، آن مقدار که حکمت لازم می شمارد،

ص:۴۳

جوهر نفس آدمی را تقویت می کند و قوای باطنی او را تمرکز می بخشد؛ نه آن آهنگی که امور شهوانی را در انسان تحریک می کند.» آنچه باید به این سخن بیفزاییم، این است که در پاسخ به نیازها و علاقه مندی های خود، باید اولویت بندی و انتخاب آگاهانه کنیم تا در مسیر حیات معقول حرکت کنیم. آنچه در گزینش ها مهم می نماید، این است که رابطهٔ هرچیز و هر رفتار را با کمال نفسانی انسان بسنجیم.

ازآنجاکه کمال مطلق، خداست، هرچه انسان را از خدا دور سازد، یقیناً باعث خسارت کردنش خواهد شد؛ همچنان که قرآن کریم خطاب به این دسته می فرماید: «وَ یوْمَ یعْرَضُ الَّذِینَ کفَرُوا عَلَی النَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَیبَاتِکمْ فِی حَیاتِکمُ الدُّنْیا وَ اسْتَمْتَعْتُم بِهَا فَالْیوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا کنتُمْ تَسْتَکبِرُونَ فِی الْأَرْضِ بِغَیرِ الْحَقِّ وَ بِمَا کنتُمْ تَفْسُقُونَ» (= و آن روز که آن هایی را که کفر ورزیده اند، بر آتش عرضه می کنند، [به آنان می گویند:] «نعمت های پاکیزهٔ خود را در زندگی دنیایتان [خودخواهانه] صَرف کردید و از آن ها برخوردار شدید. پس امروز به [سزای] آنکه در زمین

ص:۴۴

بناحق سرکشی می کردید و به سبب آنکه نافرمانی می کردید، به عذاب خفّت[آور] کیفر می یابید.»)(۱) در این آیه، سخن از کسانی است که با گناه کردن، تمام سرمایه های وجودی خود را هزینه و مصرف کرده انـد و سرمایه ای برای زندگی ابدی خود ندارند که همان زندگی حقیقی آن هاست؛ پس باید در آتش قهر الهی عذاب شوند.

به همین دلیل، امیال و کشش های فطری را باید در مسیر قرب الی الله و حیات طیبه جهت دهی کرد تا به طور صحیح شکوفا شوند. علاوه بر آنکه اگر بر فرض ثابت شود موسیقی آثار مثبتی در نفس دارد، این اثر به صورت عمیق و ماندگار نخواهد بود.(۲)

همان طورکه استاد شهیدمطهری فرموده اند، باید توجه کرد که: «خیلی چیزها فایده هایی بر وجودشان مترتب است؛ ولی این ها جای چیزهایی را اشغال کرده اند که اگر آن ها می بودند،

۱- . احقاف، ۲۰.

۲- . محمدتقی جعفری، موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی، ص۱۲۰.

فواید خیلی بیشتری مترتّب می شد... ما نمی توانیم به سبک ویلیام جیمز (بنیان گذار مکتب پراگماتیسم(۱)) بیندیشیم که هرچیزی که یک اثر مفید داشته باشد، پس حق است... هرگز شما نمی توانید به صرف اینکه یک شیء آثار مفیدی داشته باشد، آن را صحیح و واقعی و ازجانب خدا بدانید.»

بحثی که این روزها برای جوان ها مطرح است، این است که آیا با رقص و آواز و موسیقی هم می توان به شادی دست پیدا کرد؟ این سؤال گاهی اوقات حالت انتقادی هم به خود

ص:۴۶

۱- .پراگماتیسم یا عمل گرائی ،به معنای فلسفه اصالت عمل است؛ ولی در سیاست بیشتر واقع گرایی و مصلحت گرایی معنا می دهد. طرفداران این شیوه، خود را عمل گرا و متسامح می دانند. مخالفان، این گروه را میانه رو یا محافظه کار می خوانند. از دیدگاه پراگماتیسم، تمام تصورات، مفاهیم، قضاوت ها و دیدگاه های ما قواعدی برای «رفتار» (پراگمای) ما هستند؛ اما «حقیقت» آن ها تنها در سودمندی عملی آن ها برای زندگی ما نهفته است. از دیدگاه پراگماتیسم، معیار حقیقت، عبارت است از سودمندی، فایده، نتیجه؛ نه انطباق با واقعیت عینی. درواقع، حقیقت هرچیز به وسیله نتیجهٔ نهایی آن اثبات می شود. دولتمردان و سیاست مداران «پراگماتیست» کسانی هستند که امکانات عملی و مصلحت روز را بر معتقدات خود مقدم می شمارند و به عبارت دیگر، برای پیشرفت مقاصد خود و ماندن بر مسند قدرت، انعطاف نشان می دهند.

می گیرد و این گونه عنوان می شود که تفکر رایج دینی و اجتماعی، جلوی شادی های جوانان را گرفته است.

گرچه رقص و آواز و... نمادی از شادی است، آیا این ها باعث احساس شادی می شود یا شادیِ واقعی را به دنبال دارد؟ حقیقت این است که شادی ها دو دسته اند: شادی های گذرا و شادی های پایدار. به عبارت دیگر، شادی ها زمانی سازنده اند و زمانی مخرب. در بینش اسلامی و در روان شناسی، این بحث مطرح است که شادی وقتی سازنده و پایدار است که با اختیار و خودآگاهی و هدف عالی همراه باشد. اعتیاد به بعضی چیزها، مثل مواد مخدر و موسیقی و...، حالتی را برای انسان پیش می آورد که مسائل اطرافش را فراموش می کند. چه بسیار انسان هایی که برای فرار از واقعیت های زندگی، به این امور پناه می برند. مولانا تعبیرزیبایی دربارهٔ علت کار این افراد دارد:

تا دمی از هوشیاری وا رهند ننگ خمر و زمر بر خود می نهند

ص:۴۷

به هرحال، اگر تفریح و شادی ما گریز از خودی به بی خودی باشد، آن را نمی توان شادی پایدار و واقعی دانست. این، نشاط ناپایداری است که دقایقی چند دوام نخواهد داشت. نشاطی است که فقط چهرهٔ شخص را می پوشاند. خنده ای است که از گریه غم انگیزتر است. نکتهٔ دیگر اینکه این شادی های گـذرا، مثل داروهای نیروزا هستند. آدم ناتوان وقتی می بیند با تکیه بر توان خود در مسابقه به جایی نمی رسد، دوپینگ می کند. این مواد نیروزا آثار جسمی بدی در شخص ایجاد می کنند. سوم اینکه استفاده از مواد نیروزا پس از کشف شدن، آبروی آدم را هم می برد. استفاده از ابزارهای نادرستِ کسب شادی نیز مثل استفاده از داروهای نیروزا است که سرانجام، به غم و افسردگی منتهی می شود.

ناپایداری این قبیل شادی ها را نمی توان انکار کرد؛ مانند خیلی از لذت ها و شادی هایی که ما در زندگی از آن بهره مند شده ایم و می شویم. اما دلیل کاذب بودن این شادی ها این است که موسیقی و رقص و آوازهای جمعی را نمی توان پاسخی به نیازی انسانی قلمداد

کرد و لـذت ناشـی از آن را حقیقی دانست. ازاین رو، جوان هـای بسـیاری را دیـده ایم که پس از لحظه هـای غافل کننـدهٔ شادی های کاذب، زانوی غم در بغل گرفته انـد و گریه کرده انـد و در حالت بحرانی، به خودکشـی دست زده انـد. علت این است که چنین افرادی، وقتی به خود آمـده اند و غوغای رقص و آواز را تمام شده یافته اند، باز خودشان را با همهٔ ضـعف ها و واقعیت های تلخ زندگی روبه رو دیده اند که قصـد فرار از آن را داشتند.

۲،۸ ملاک تشخیص شادی های واقعی و کاذب چیست؟

در قرآن، تعبیر زیبـایی دربـارهٔ دنیـا و آخرت وجود دارد که می توانـد پاسـخ خوبی به این سؤال باشـد. قرآن تفاوت آخرت را با دنیا این گونه بیـان می کنـد: «و الآـخره خیر و أبقی» آخرت دو خصوصـیت دارد که دنیـا از آن بی بهره است: در آخرت هم خیر است و هم تـداوم. برهمین اسـاس، می توانیـد امور دنیـایی را از امور آخرتی تشـخیص بدهیـد. شـادی ناشـی از مواد مخـدر و رقص و آواز که نه خیری در آن است و نه تداومی دارد، براساس فلسفهٔ الهی، از

مقولات دنیوی است.

همان طورکه از این تعبیر زیبای قرآنی پیـداست، دنیا در اینجا به معنای هرچیزی است که ما را از خدا غافل کند و به امور غیر مفید و زودگذر بکشانـد. دراین میان، کار دین این است که ما را از ظواهر دنیا و لذت های آنی اش جدا کند و به امور متعالی و پایدار فراخواند. براین اساس، هر عملی که این اختیار و آگاهی را افزایش دهـد که عامل جـدایی انسان از حیوان است، برای انسان سالم و در جست وجوی تکامل، مفیـد و مطلوب خواهد بود. متقابلاً هر عاملی که جلوی این اختیار و آگاهی را بگیرد، عامل منفی قلمداد خواهد شد.

پس راه برخورد با واقعیت های زنـدگی، پناه آوردن به این عوامل ظاهراً نشاط آور نیست. جوانی که به دلیل تنبلی یا بی برنامگی یا مشـکلات شخصـی یا خطای دیگران، دچار شـکست تحصـیلی یا شـغلی یا عشـقی شـده است یا به هر دلیلی، در ازدواجش ناموفق بوده است، اگر انسانی سالم و واقع بین باشد، نباید دچار ناامیدی شود و توانایی هایش را فراموش کند و به

چیز هایی پناه ببرد که حقیقتاً از حل مسائل او ناتوان اند. او باید بفهمد علت شکستش چه بوده است و درصدد برخورد منطقی با آن باشد.

۳،۸ محرومیت از لذت و احساس خوشِ ناشی از موسیقی، چرا؟

لذت و احساس خوش ناشی از شنیدن موسیقی، دوشادوش تاریخ بشری، در تمام جوامع وجود داشته است. هریک از جوامع با درنظرگرفتن تنوع دورانش، از نوع یا انواعی از موسیقی استفاده می کرده است و روان خود را با موسیقی نوازش می داده است.

درست است که موسیقی ما را از موجودیت حقیقی خود بالاتر می برد، ولی هنگامی که موسیقی تمام می شود، سرازیری را در خود احساس می کنیم و می بینیم سایه ای که موسیقی از ما برای ما ساخته بود و آن را بالا ـ برده بود، اکنون شبح مصنوعی ازبین رفته ای است. در این حالت، واقعیت ها با همان خشونت برای ما نمودار می شوند.

در صدر اسلام، در حدود هشتاد جنگ و دفاع انجام شده است. در این جنگ ها نمی بینیم

که مسلمانان برای تهییج سربازان خود به موسیقی متوسل شده باشند. آن ها شعارهای واقعی را به طور دسته جمعی تکرار می کردند. در یکی از جنگ ها، کفار قریش این شعار را با موسیقی و هیجان رزمی می گفتند: «أُعل هبل، أُعل هبل» (= بلند باد هبل.) مسلمانان هم درمقابل می گفتند: «الله اَعلی و اَجلّ» (= خداوند بالا و بلندمرتبه است.) شعار مسلمانان واقعیت داشت و همه به آن اعتقاد کامل داشتند.

در یکی از جنگ ها، دشمنان می گفتند: «نحن لنا العزّی و لاعزّی لکم» (= ما بت عزّی داریم؛ ولی شما ندارید.) مسلمانان درمقابل آنان می گفتند: «الله مولانا و لا مولا لکم» (= خداوند آقای ماست؛ ولی شما آقایی ندارید.) با اینکه کفار، به موسیقی آن زمان برای تحریک سربازان خودی متوسل می شدند، مسلمانان کمترین اعتنایی به موسیقی نمی کردند.

خلاصه، بشر به دلیل کمبودی که در توانایی مواجهه با واقعیت دارد، موسیقی را برای دلداری خود انتخاب می کند و نام آن را ضرورت می گذارد. به همین جهت است که اسلام به

موسیقی روی خوش نشان نمی دهد و می خواهد انسان ها در زندگی روحانی و طبیعی، با واقعیت ها روبه رو شوند؛ تا در این مواجهه، زمینهٔ رشدشان فراهم شود.

۴،۸آیا موسیقی سنتی و اصیل ایرانی هم حرام است؟

رهبر فرزانهٔ انقلاب می فرمایند: «بعضی خیال می کنند که مرز موسیقی حلال و حرام، موسیقی سنتی است. نه، این طور نیست. آن موسیقی که منادیان دین و شرع همیشه در دوره های گذشته با آن مقابله می کردند و می گفتند حرام است، همان موسیقی سنتی ایرانی خودمان است که به شکل حرام در دربارهای سلاطین در نزد افراد بی بندوبار در نزد افرادی که به شهوات تمایل داشتند و در شهوات فرو می رفتند، اجرا می شده. این همان موسیقی حرام است.»

مرز موسیقی حلال و حرام، ایرانی بودن، سنتی بودن، قدیمی بودن، کلاسیک بودن،

ص:۵۳

غربی بودن یا شرقی بودن نیست. ملاک، همان معیارهایی است که گفتیم.(۱)

۵،۸ آیا پخش موسیقی از صداوسیمای جمهوری اسلامی، مجوز حلال بودن موسیقی است؟

تنوع و جذابیت در صداوسیما، شرط لازم موفق بودن آن رسانه است. البته این، نباید موجب گرایش به شیوه های زیان بخش و مخرب شود. ترویج فرهنگ غرب و استفادهٔ ابزاری از جاذبه های جنبی و موسیقی های لهو و حرام و چیزهایی ازاین قبیل، نباید به بهانهٔ جذاب کردن تلویزیون، به این دستگاه مؤثر راه یابد.

به فتوای رهبر فرزانهٔ انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای: «موسیقی اگر به تشخیص بیننده و شنونده، از قسم خوانندگی و نوازندگی مطربِ لهوی باشد که مخصوص مجالس لهو و گناه است، استماع آن برایش جایز نیست و صِرف پخش از صداوسیما حجّت شرعی برای جایز

۱- . اسدالله محمدی نیا، بهشت جوانان، قم: نصایح، ۱۳۷۸، ص۳۴۷.

و حلال بودن برای شنونده نیست.»(۱) این تقریباً نظر تمام فقها است. البته در جایی که شک داریم، گوش دادن به آن حرام نیست؛ گرچه خلاف احتیاط است.

۶،۸ آیا موسیقی در مجالس جشن میلاد معصومان و مناسبت های اسلامی و ایام شادمانی جایز است؟

گاهی می گویند ما مسلمانان به ویژه پیروان مذهب اهل بیت، موظفیم در ایام سرور پیشوایان دینی خوشحال باشیم؛ همچنان که باید در ایام حزن آنان محزون باشیم. روشن است که عزا با شادی و جشن تفاوت داشته، جشن مقتضیات خاص خود را دارد؛ ازجمله استفاده از موسیقی.

آری، اظهار حزن و شادمانی هر دو خوب و نشانهٔ ارادت به آن پاکان و پیروی از

۱- . احمد شرفخانی خویی، انسان، غنا، موسیقی، انتشارات مشهور، ص۹۹، سؤال۶.

آنان است؛ اما مجالس سرور و شادی نیز آداب و حد و مرزی دارد که آلوده نشدن با گناه است. با نافرمانی نمی توان به خدا و اولیای الهی تقرّب جست. به همین دلیل، مقام معظم رهبری می فرمایند: «هرگونه خوانندگی و نوازندگی که متناسب با مجالس عیش و نوش و خوش گذرانی باشد، جایز نیست و از هر کاری که با شئونات مساجد و حسینیه ها سازگار نباشد، باید اجتناب گردد.» حضرت آیت الله بهجت می فرمایند: «برپایی و شرکت در این مجالس حرام است.» حضرت آیت الله صافی گلپایگانی آن را مخالف تعالیم دینی و حرکت در مسیر فاسدکردن جامعه و نسل جوان و تحریف احکام الهی می دانند.(۱)

ص:۵۶

۱- . مسائل جدید از دیدگاه مراجع تقلید، ج۲، ص۳۶و۳۷ و ج۳، ص۷۵.

۷،۸ آیا گوش دادن به موسیقی برای فرار از گناه یا خطر بزرگ تر، به عنوان دفع افسد به فاسد جایز است؟

گاهی برخی رانندگان به ویژه رانندگان اتوبوس ها و ماشین های سنگین، موسیقی مبتذل پخش می کنند و می گویند اگر گوش نکنیم، خوابمان می گیرد و برای جان خود و مسافران احتمال خطر می دهیم. یا برخی افراد می گویند: اگر این موسیقی ها نباشد، جوانان به بدتر از آن، یعنی ماهواره ها و برنامه ها و مجالس بدتر، پناه می برند. آیا این مجوز شرعی و عقلی برای گوش دادن به موسیقی نیست؟

حضرت امام خمینی در این زمینه می فرمایند: «این عذر نیست که اگر موسیقی در رادیو و تلویزیون نباشد، آن ها می روند از جایی دیگر موسیقی می گیرند. حالا اگر جای دیگر می گیرند، ما باید به آن ها گوش بدهیم؟! ما باید خیانت بکنیم؟! موسیقی خیانت است

ص:۵۷

به یک مملکت، خیانت است به جوان های ما.»(1) حضرت آیت الله تبریزی می فرمایند: «این عذر شیطانی است و روز قیامت سزای آن را خواهند دید؛ مگر آنکه توبه کنند و می توانند از نوار وعظ یا قرائت قرآن استفاده کنند.»(2)

موسیقی، درمانی مقطعی برای این مشکلات است. راه حل عاقلانه این است که اصل آن مشکل را حل کنیم. برای مثال، اگر راننده ای خواب آلود است، باید در جایی توقف کرده، استراحت کند یا از کمک راننده استفاده کند. او با گوش دادن به موسیقی، هم به جسم و روان خود آسیب می زند؛ چون بدن خود را از استراحتی محروم کرده است که به آن نیاز دارد، و هم جان خود و مسافران را در خطر می اندازد؛ چون باز هم این احتمال هست که خوابش ببرد.

۱- . صحیفهٔ نور، ج۸، ص۱۹۷تا۲۰۱.

۲- . شرفخانی، انسان، غنا، موسیقی، ص۱۳۷، سؤال۶.

۸،۸ آیا استفاده از موسیقی در مراسم مذهبی، مانند مرثیه خوانی و مداحی و عزاداری ها، استثنا شده است؟

این، کاری ناروا و از بـدعت هایی است که افراد نادان یا بـدخواه در دین گذاشـته انـد. شـیخ مرتضـی انصاری با بـدعت دانسـتن این کار، می فرماید: «همان گونه که پیامبر نظیر آن را خبر داده است: 'زمانی خواهد آمد که قرآن را با آلات موسیقی و با آهنگ آن می خوانند.' (۱) گویا کلمـات پیـامبر نیز مثل آیات قرآن، دربارهٔ موضوعی وارد می شود و در موضوع های مشابه نیز جریان پیـدا می کنـد.»(۲) آیت الله نجومی می افزاید: «ای کاش شیخ انصاری زنده بود تا در زمان ما، عجایبی می دید که به ذهن او خطور نمی کرد و در زمان او قابل تصور نبود.»(۳)

ص:۵۹

۱- . وسائل الشیعه، ج۱۵، ص۳۴۸، ابواب جهاد النفس، باب۴۹، ح۲۲.

۲- . مرتضی انصاری، المکاسب، ج۱، قم: مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۲۲، ص۳۱۲.

۳- . الرسائل الفقهیه، ص۱۸۷.

حضرت امام می فرمایند: «اگر در اذان و اقامه، صدا را در گلو بیندازد و غنا شود، یعنی به طور آوازه خوانی مانند آنچه که در مجالس لهو و بازیگری معمول است، اذان و اقامه را بگوید، حرام است.»(۱) حضرت آیت الله بروجردی می فرمایند: «آوازی که مخصوص مجالس لهو و بازیگری است، غنا و حرام می باشد و اگر نوحه یا روضه یا قرآن را هم با غنا بخوانند، حرام است.»(۲)

مقام معظم رهبری می فرمایند: «استفاده از آلات موسیقی، مناسب با عزاداری سالار شهیدان نیست و شایسته است مراسم عزاداری به همان صورت متعارفی که از قدیم متداول بوده، برگزار شود.»(۳)

۱- . توضیح المسائل، مسئلهٔ ۹۲۱.

۲- . توضیح المسائل محشّی، ص ۵۹۰؛ مسئلهٔ ۲۸۲۷.

۳- . مسائل جدید از دیدگاه مراجع تقلید، ج۴، ص۳۹.

۹،۸ آیا می توان با موسیقی، حالت عرفانی پیدا کرد و به خدا رسید؟ آیا دراین صورت هم حرام است؟

تاریخ نشان نداده است که پیامبران و ائمه و پیروان واقعی آنان، موسیقی را برای تربیت ارواح آدمیان توصیه کرده باشند. با اینکه رسالت و پیام آنـان ارائـهٔ هرگونه راه تکامـل برای انسـان ها بوده است، آن پیشوایان حتی برای آسایش روانی موقت هم تمایل به گوش دادن آن ها از خود نشان نداده اند. این درحالی است که زحمات و مشکلات دنیا آنان را احاطه کرده بود.

پرسـش جـدی این است که اگر می شـد از راه موسـیقی به خـدا رسـید، چرا پیـامبران و ائمه چیزی نگفتنـد و نه تنهاماننـد نماز و سایر عبادات توصـیه ای بـه آن نکردنـد؛ بلکه شدیـداً آن را نکـوهش کردنـد؟ مگر نه آن است که پیـامبر اکرم فرمودنـد: «مـا مِن شـیءٍ یقَرِبُّکم اِلَی الْجَنَّه وَ یباعِدُکم مِنَ النّار اِلّا وَ قَدْ اَمَرْتُکم به» (= چیزی نیست که شما را به بهشت نزدیک کند و

از جهنم دور کنـد، مگر اینکه شـما را به آن دسـتور دادم.)(۱) اگر موسـیقی راهی برای رسـیدن به خـدا بود، پس چرا جز نکوهش و شـیطانی دانسـتن آن، چیزی نفرمودنـد؟ آیـا جز این سـخن پیامبر است: «وَ مَا مِنْ شَـیْ ءٍ یُقَرِّبُکُمْ مِنَ النَّارِ وَ یُبَاعِـدُکُمْ مِنَ الْجَنَّهِ اِلَّا وَ قَـدْ نَهَیْتُکُمْ عَنْه» (= و چیزی نیست که شما را به جهنم نزدیک کند و از بهشت دور کند، مگر اینکه شما را از آن نهی کردم.)(۲)

ممکن است چنین به نظر برسد که بسـیاری از شخصـیت های بزرگ مانند فارابی و غزالی و برخی از عرفا نه تنها به موسـیقی تمایل داشـته اند، بلکه آن را می نواخته انـد و به آن گوش می داده انـد. پاسـخ به این اعتراض نیز روشن است: عظمت و کمال شخصـیت های بزرگ، ناشـی از تمایـل به موسـیقی نبوده است؛ بلکه آنـان بـاوجود برخورداری از کمال، به موسـیقی هم تمایل نشان می دادنـد.ماننـد اینکه حقوق دانی عالی مقام، موسیقی را هم دوست داشته باشد.

۱- . وسائل الشیعه، ج۱۷، ص۴۵.

۲- . همان.

آن موسیقی، به دانش حقوق او و مهارتش چیزی نمی افزاید.

کسانی می خواهند برای نغمه های موسیقی جنبهٔ ملکوتی و ماورای طبیعی درنظر بگیرند. می گویند غزالی گفته است: «دل ها و درون های آدمیان، خزینه های اسرار و معادن جواهر است.» ممکن است این عبارت اشاره ای باشد به اینکه موسیقی و سماع، امور نهفتهٔ الهی و ملکوتی در دل را هم به حرکت در می آورد.

با نگاه به مجموع جملات غزالی، مخصوصاً باتوجه به تشبیه معروف «از کوزه همان برون تراود که در اوست»، معلوم می شود که نغمه های موسیقی، اموری را در درون تحریک می کنند که بشر آن را در درون خود دارد یا اندوخته است. یعنی خود موسیقی ذاتاً چیزی به درون انسان وارد نمی سازد. موسیقی آن عواطفی را بر می انگیزاند که مربوط به جنبه ای از نفس آدمی است که مجاور بیرون ذات اوست. بیشتر این پدیده ها محصول محیط و فرهنگ (به معنای عام آن) در اقوام و ملل دنیا است و جنبهٔ ماورای طبیعی ندارد.

ص:۶۳

تصویر



ص:۶۴

باتوجه به اینکه امور فطری و به ویژه آنچه جنبۀ ملکوتی و ماورای طبیعی دارد، در همۀ نفوس انسانی یکی است و مشترک میان همۀ جوامع است، مدعیان باید این مسئله را حل کنند که این همه اختلاف در نغمه ها و نواهای موسیقی اقوام و ملل دنیا چیست. این اختلاف، به اندازه ای است که گاهی موسیقی جامعه ای، برای دیگران نفرت انگیز و موجب ناراحتی اعصاب است. این اختلاف در نغمه ها و نواها، بهترین دلیل بر این مدعاست که آثار و عواطف و هیجان هایی که به وسیلهٔ موسیقی ها برانگیخته می شود، مربوط به ذات نفس انسان ها نیست که همه در آن مساوی اند، بلکه مربوط به آن سطح نفس آدمی است که مجاور بیرون ذات (طبیعت به معنای عام آن) است؛ مانند محیط و عناصر فرهنگی و حوادث اثرگذار در درون مردم. حتی یک نفر در موقعیت ها و حالت های روانی گوناگون، آثار و هیجان های مختلفی درمقابل یک نوع موسیقی از خود نشان می دهد.

اگر موسیقی جنبهٔ ملکوتی و ماورای طبیعی دارد، باید هر انسانی که این نوع موسیقی

را بیشتر می نوازند یا بیشتر آن را می شنود، روحانی تر و ملکوتی تر از دیگران باشد. درواقع چنین نیست و ظرافت و لطافت و معناگرایی نفوس آدمی، ریشه ای فطری دارد که به وسیلهٔ نیک خواهی و اعمال نیک و تلاش در انجام دادن تکالیف الهی و ریاضت های معقول نفس که همهٔ آن ها فعالیت است، نه انفعال، به فعلیت می رسد؛ نه با موسیقی که نخست، هوشیاری نفس را ازبین می برد و سپس، نفس را دراختیار ضرب ها و فواصل و کمیت ها و کیفیت های آن ها می نهد.

ص:۶۶

۹. تفاوت ارزش موسیقی های روحانی و غیرروحانی

عده ای معتقدند موسیقی ها را باید تفکیک کرد:

۱. موسیقی هایی که موجب تأثیرها و هیجان های روحانی می شود؛

۲. موسیقی هایی که موجب برانگیختن شهوات و خودخواهی و انتقام جویی و سلطه گری و پوچ گرایی و بدبینی می شود.

زیرا نوع اول موجب تلطیف و تقویت و اشتیاق نفس به عالم مکلوت می شود و این امر، مطلوب همهٔ وارستگان و تکامل یافتگان است. می گویند سماع عرفانی از این نوع است.

بیشترین جذابیت و لذت موسیقی و انبساط آوردن آن، ناشی از ازبین بردن هوشیاری به واقعیت های درون و بیرون ذات انسان و ازبین بردن اختیار اوست. حتی روحانی ترین موسیقی، با دو حقیقت هوشیاری و اختیار سازگار نیست. این اصل را همهٔ ما می دانیم که هیچ حرکت ناهوشیارانه و جبری نمی تواند تکاملی باشد؛ اگرچه لذت و جذابیت داشته باشد.

جنبۀ تخدیری موسیقی را نیز باید درنظر بگیریم. اگر درحال جذبۀ موسیقی، ذکر الله اکبر را هم به زبان بیاوریم، هیجان و تأثیر موسیقی، مانع آن خواهد بود که معنای آن ذکر مقدس را به طور معین و مستقیم درک کنیم و با همۀ قوای مغزی و روانی متوجه آن باشیم.(۱)

۱- . نک: محمدتقی جعفری، موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی، ص۴۶ تا ۴۹ و ۵۴ و ۵۶ و ۵۷ و ۹۶ و ۹۷.

۱۰.توصیهٔ بزرگان

۱،۱۰.حضرت امام خمینی

دربارهٔ لزوم پرهیز از گوش کردن به تَغَنّیات(۱) می فرماید: «ای عزیز، بکوش تا صاحب عزم و دارای اراده شوی(۲) که خدای نخواسته اگر بی عزم از این دنیا هجرت کنی، انسانِ صوری بی مغزی هستی که در آن عالم، به صورت انسان محشور نشوی؛ زیراکه آن عالم، محل کشف باطن و ظهور سَریره است و جرئت بر معاصی، کم کم انسان را بی عزم می کند و این جوهر شریف(۳) را از انسان می رباید. استاد معظم ما حضرت آیت الله شاه آبادی می فرمودند: 'بیشتر

۱- . آوازها و موسیقی های مُطرِب.

۲- . امام خمینی در کتاب آداب نماز می فرمایند: «شیخ بزرگوار، شاه آبادی(روحی فداه) از عزم و اراده به 'مغز انسانیت' تعبیر می کردند.»

۳- . عزم و اراده.

از هرچه، گوش کردن به تغنّیات، سلب اراده و عزم از انسان می کند.»(1)

حضـرت امام با هنر مخالف نیست؛ بلکه هنر و ازآن جمله موسیقی را به عنوان ابزاری در خدمت ارزش های انسانی و اسلامی می ستاید؛ چنان که در پیامی به هنرمندان می فرماید: «خون پاک صدها هنرمند فرزانه در جبهه های عشق و شـهادت و شـرف و عزت، سـرمایهٔ زوال ناپذیر آن گونه هنری است که بایـد به تنـاسب عظمت و زیبـایی انقلاب اسـلامی، همیشه مشـام جـان زیباپسـند طالبان جمال حق را معطر کنـد... هنر در مدرسهٔ عشق، نشان دهندهٔ نقاط کور و مبهم معضـلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است. هنر در عرفان اسلامی، ترسیم روشن عدالت و شـرافت و انصـاف و تجسـیم تلـخ کامی گرسـنگان مغضوب قـدرت و پول است. هنر در جایگاه واقعی خود، تصویر زالوصـفتانی است که از مکیدن خون

۱- . روح الله خمینی، چهل حدیث، ح۱، ص۸.

فرهنگ اصیل اسلامی، فرهنگ عدالت و صفا، لذت می برند... .»(1)

ایشان در موقعیت های گوناگون، با تشبیه موسیقی به مواد مخدر، ترویج آن را نقشهٔ دشمنان برای سلطهٔ فرهنگی و سیاسی می دانند: «ازجمله چیزهایی که مغزهای جوان را مخدر می کند و تخدیری است، موسیقی است. موسیقی اسباب این می شود که مغز انسان وقتی چندوقت موسیقی گوش کرد، تبدیل می شود به یک مغز غیر آن کسی که جدی باشد. از جدیت، انسان را بیرون می کند و متوجه می کند به جهات دیگر. تمام این وسایلی که درست کرده بودند، همه برای خاطر این بود که ملت را از مقدرات خودشان غافل کنند... دیگر نمی توانند یک انسان جدی باشند که بتوانند در مسائل سیاسی فکر بکنند... نمی تواند به این فکر کند که در کشورش چه می گذرد؛ مثل یک آدم هروئینی است.»(2)

ص:۷۱

۱- . صحیفهٔ نور، ج۲۱، ۳۰شهریور۱۳۶۷.

۲- . صحیفهٔ نور، ج۸، ص۱۹۷تا۲۰۱ و ج۹، ص۱۱۵.

۲،۱۰. علامه محمدتقی جعفری

«محققان و دانشـمندان پرکار و متتبع، دربارهٔ موسـیقی به حد لازم و کافی به مطالعه و بررسی پرداختند و درنتیجه، به دلیل و شواهد قانع کننده ای دست نیافتنـد که ضـرورت یا شایسـتگی موسـیقی را بـدون ضـرر روانی اثبات کننـد. پس نتیجهٔ منطقی که ما به آن روبه رو هستیم، عبارت است از احسـاس لـذت از پدیـده ای به نـام موسـیقی بـا احتمـال ضـرر روانی و ضـرر نافرمـانی درمقابل تعهـد تکلیف الهی که به دنبال خواهد داشت.»

برای مطالعه بیشتر

۱. موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی، محمدتقی جعفری، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

۲. انسان، غنا، موسیقی، احمد شرفخانی خویی، قم، انتشارات مشهور.

۳ احکام موسیقی، سید مجتبی حسینی،قم،دفتر نشر معارف.

۴. موسیقی و غنا از دیدگاه اسلام، محمد اسماعیل نوری،قم، بوستان کتاب.

ص:۷۲

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹
امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹